داستار جنایی

قسمت اول



بی‌گناه

زینب علیپورطهرانی
تپش

ناهید با عصبانیت از اتاق سردبیر که در طبقه پنجم ساختمان بود، بیرون آمد و در حالی که برگه‌های گزارشش را در دست داشت و روی آن ضربدر قرمزی خورده بود، مقابل آسانسور ایستاد و منتظر ماند. آسانسور طبقه اول بود. حوصله انتظار کشیدن نداشت و از پله‌ها خودش را به تحریریه که در طبقه اول بود، رساند و روی صندلی‌اش در سرویس حوادث روزنامه نشست و کاغذ را روی میز انداخت و چشم به مانیتور مقابلش دوخت. اما فکرش جای دیگری بود. همکارش، مریم با لیوان چای به سمت او آمد و پرسید: چایی می‌خوری برات بیارم؟

ناهید غرق در فکر بود که صدای دوستش را نشنید. مریم لیوان چای را روی میز گذاشت و چشمش به گزارش خط خورده ناهید افتاد. آن را برداشت و با تعجب گفت: ای بابا چرا خط زد؟

بعد هم با اشاره دست خواست که حواس دوستش را به خودش جمع کند. ناهید متوجه او شد و گزارش را از مریم گرفت و داخل سطل زباله کنار میز انداخت و گفت: میگه گزارشت خامه.

مریم باز هم با تعجب پرسید: کجاش خامه؟ تو که با رئیس پلیس و چند تا کارشناس مصاحبه کردی! تازه خودتم که با سوژه تماس گرفتی و کلی اطلاعات به گزارشت اضافه کردی. به نظر من که کامله.

ناهید که همچنان عصبانی بود، گفت: آره. ولی میگه بازم خامه. میگه گزارش به این شکل چاپ بشه، ممکنه باعث شکایت و کلی دردسر بشه. مدرک می‌خواد.

مریم پرسید: خب پیشنهادی نداشت؟

ناهید گفت: چرا. گفت یکی دو تا قربانی پیدا کنم و با هاشون حرف بزنم تا سند و مدرک داشته باشم.

مریم گفت: حالا می‌خوای چه کار کنی؟

ناهید کمی فکر کرد و گفت: کاری که باید از اول می‌کردم. خودم باید دست به کار بشم. باید یه سند درست و درمون جور کنم. این گزارش باید چاپ بشه.

مریم با تعجب پرسید: آخه چه جوری؟

ناهید از روی دیوار کنار میز کارش یک تراکت تبلیغاتی را برداشت که مربوط به تست بازیگری بود. آن را داخل کوله‌اش گذاشت و بدون این‌که به مریم حرفی بزند، کامپیوترش را خاموش کرد و از تحریریه بیرون رفت. مریم او را صدا زد اما ناهید بدون این‌که پاسخی دهد از روزنامه خارج شد و به سمت پارک کنار روزنامه رفت و یک نیمکت خالی پیدا کرد و نشست. کمی به اطراف نگاه کرد و همچنان در فکر بود. تراکت را از داخل کیفش درآورد و به آن نگاه کرد. تصمیمش را گرفت. سیمکارت گوشی‌اش را عوض کرد و با سیمکارت جدید شماره روی آگهی را گرفت و منتظر ماند. صدای مردی از پشت تلفن گفت: الو؟

ناهید که سعی می‌کرد با لحن ملایمی صحبت کند گفت: الو سلام. روز بخیر. برای آگهی‌تون تماس گرفتم.

مرد گفت: سلام خانم. ممنون. روز شما هم بخیر. بله در خدمتم. شما چند سالتونه و این‌که تجربه بازیگری دارین؟

ناهید گفت: من ۲۷ سالمه، تجربه که ندارم اما خیلی به بازیگری علاقه دارم. البته دوستانم میگن چهره و صدای خوبی برای این کار داری.

مرد گفت: خب ما باید اول از شما تست بگیریم و بعد به پروژه‌های سینمایی معرفی‌تون کنیم. اگر شرایط مارو داشته باشین، بهتون قول می‌دم که توی فیلم‌های خوبی کنار بازیگران مطرح بازی کنین و خیلی زود هم موفق بشین. راستی منزلتون کجاست؟

ناهید گفت: سمت شرق.

مرد گفت: پس با دفتر ما فاصله دارین. امروز چه ساعتی فرصت دارین با هم قرار بزاریم؟

ناهید کمی فکر کرد و گفت: من دانشجو هستم. امروزم کلاس ندارم. حوصله خوابگاه رو هم اصلا ندارم. می‌تونم تا یک ساعت دیگه برسم خدمتتون. شما آدرس رو بفرمایین، من حفظ می‌کنم.

مرد گفت: خیلی هم عالی. فقط این‌که چون فرمودین خوابگاه هستین، حتما بچه شهرستانین و ممکنه تهران رو خوب نشناسین و نتونین دفتر مارو پیدا کنین. آدرس خوابگاهو بدین تا من بیام دنبالتون.

ناهید کمی دستپاچه شد و گفت: ای وای نه. حراست خوابگاه پوستمو می‌کنه. براتون لوکیشن می‌فرستم بیاین سر خیابون خوابگاه. تا یه ساعت دیگه من اونجا منتظرتونم.

مرد گفت: اوکی خیلی هم عالی. یه ساعت دیگه می‌بینمتون. فقط این‌که من نام شمارو نمی‌دونم.

ناهید گفت: هنگامه هستم.

مرد گفت: چه نام زیبایی. هنگامه عزیز می‌بینمت.

ناهید تماس را قطع کرد و سیمکارت قبلی‌اش را در گوشی گذاشت و با دوستش، مریم تماس گرفت و گفت: الو مریم؟ لوکیشن خوابگاهتو همین الان برام بفرست.

صدای مریم از پشت تلفن شنیده شد که پرسید: برای چی می‌خوای؟ می‌خوای بری اونجا؟

ناهید گفت: سؤال نکن. بعد بهت میگم. فقط لوکیشن رو بفرست.

ناهید تلفن را قطع کرد و منتظر ماند. دوستش لوکیشن را فرستاد. آن را با همان شماره قبلی برای آن مرد فرستاد. بعد به سمت دستشویی داخل پارک رفت. مقنعه‌اش را از سر درآورد و آن را مرتب تا کرد و داخل کیفش گذاشت. شال صورتی‌رنگی را از داخل کیف درآورد و به سر کرد. رژ لبی را از داخل کیف درآورد و به لب‌هایش زد اما خودش را که در آینه دید پشیمان شد و آن را پاک کرد. ضبط صوت خبرنگاری‌اش را از کیف بیرون آورد، باتری آن را عوض کرد و دوباره داخل کیف گذاشت. سر و وضعش را مرتب کرد و از دستشویی بیرون آمد و تاکسی دربستی گرفت و به مقصدی که با آن مرد قرار داشت رفت.



اظهارنامه
تپش
۷ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم
چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ | شماره ۱۰۰۵

شما خوانندگان تپش می‌توانید پرسش‌های حقوقی خود را در شبکه‌های اجتماعی مطرح و پاسخ را در این ستون بخوانید.

مجازات ازدواج مجدد بدون اجازه همسر اول چیست؟

مرد برای ازدواج مجدد و ثبت آن به اجازه همسر اول خود احتیاج دارد و در صورت انجام ندادن این کار مرتکب جرم شده است. در ازدواج مجدد مرد اعم از عقد دائم یا موقت باید شرایط قانونی رعایت شود؛ اگر مرد شرایط قانونی را رعایت نکند، زن می‌تواند با توجه به موارد ضمن عقد اقدام قانونی انجام دهد. البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که ازدواج موقت بدون اجازه همسر اول و حتی ازدواج دائم بدون اجازه همسر جرم نیست، اما اگر واقعه نکاح دائم ثبت نشود، آن‌گاه جرم رخ داده است. مرد برای ازدواج مجدد و ثبت آن به اجازه همسر اول خود احتیاج دارد و در صورت انجام ندادن این کار، مطابق ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مرتکب جرم شده و مجازات آن جزای نقدی درجه ۵ یا حبس تعزیری درجه ۷ است. زوجه در صورت اثبات ازدواج مجدد همسرش می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند، البته باید توجه داشته باشیم که اگر ازدواج مجدد مرد ناشی از امتناع زوجه در ایفای وظایف زناشویی باشد، این اقدام از مصادیق شروط ضمن عقد و ایجاد حق تقاضای طلاق نیست.

پرداخت نکردن شارژ ساختمان ضمانت اجرا دارد؟

یکی از قوانین آپارتمان‌نشینی پرداخت شارژ ساختمان است و هریک از اعضا وظیفه دارند شارژ ساختمان را که شامل هزینه‌های جانبی است، سر موقع پرداخت کنند. مطابق ماده ۱۰ قانون تملک آپارتمان‌ها و تبصره یک الحاقی به این ماده، درصورت امتناع مالک یا استفاده کننده از پرداخت سهم خود از هزینه‌های مشترک ساختمان، از طریق مدیر یا هیأت مدیران به وسیله اظهارنامه با ذکر مبلغ بدهی و صورت ریز آن، هزینه‌ها مطالبه می‌شود.

همان‌طور که در قانون آمده است، در صورتی که یکی از اهالی ساختمان ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه سهم بدهی خود را پرداخت نکند، مدیر یا هیأت مدیران می‌توانند به تشخیص خود و با توجه به امکانات از دادن خدمات مشترک مانند شوفاژ، تهویه مطبوع، آب گرم، برق، گاز و... خودداری کنند.

همان‌طور که در قانون آمده است، در صورتی که مالک یا استفاده کننده باز هم تسویه حساب نکند، اداره ثبت محل وقوع آپارتمان به تقاضای مدیر یا هیأت مدیران برای وصول وجه مطابق اظهارنامه ابلاغ شده، اجراییه صادر می‌کند.

اگر ارائه نکردن خدمات مشترک هم موثر نباشد، بر اساس تبصره یک ماده ۱۰ مکرر قانون مزبور، مدیر یا مدیران مجموعه می‌توانند دادخواست خود را با عنوان مطالبه شارژ معوقه به مراجع قضایی(شورای حل اختلاف) ارائه کنند.